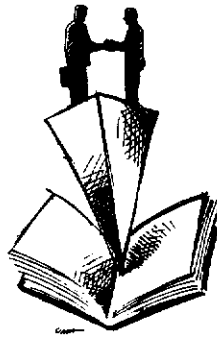


- سازمان‌هایی بیشتر دوام داشته و در سازندگی بشر و محیط آن موثر بوده‌اند که بسوی بهترینها و ارزشهای انسانی و الهی گام برداشته‌اند.
- «انسان» در جمهوری اسلامی تنها ابزار ساز نیست.
- مسئولیت انسان توحیدی، انسان باکرامت، هم با خودش است و هم با نظام جمهوری اسلامی.



طرحی نو در مدیریت منابع انسانی

قسمت آخر

سنجش کرامت انسان

از: محمود صانعی‌پور

در شماره‌های ۷۴ و ۷۵، قسمت اول و دوم مقاله «طرحی نو در مدیریت منابع انسانی: کرامت انسانی» از نظر تان گذشت. در شماره‌های قبل مقولاتی از قبیل تعریف کرامت، سلسله مراتب کلی کرامت، کرامت انسان در قرآن، خود تحولی اساس کرامت انسانی، شاخص‌های کرامت انسانی، نقش ایمان و مسئولیت‌پذیری و بالاخره کرامت انسان در بیان ائمه معصومین (ع) مطرح شد. اینک آخرین قسمت مقاله با تاکید بر کلمات کلیدی و عناصر فرعی کرامت انسانی را ملاحظه می‌کنید.

کرامت انسان از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران، نظامی بر محور ایمان با مرکزیت توحید، نبوت، معاد، عدل، و امامت و کرامت انسان که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین

ب - نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

ج - قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تامین می‌کند.

شایان ذکر است که «جمهوری اسلامی»

«انسان» در جمهوری اسلامی تنها ابزار ساز نیست، که تنها از این نظر کارایی داشته باشد، تنها روابطش با سایر انسانها خلاصه نمی‌شود، او علاوه بر اینکه مدنی الطبع و اجتماعی است به مرکز نور و خالق رب‌العالمین تعلق دارد، از سوی او آمده و بدسوی او باز خواهدگشت، انگیزه‌های او تنها مادی نیست که بتوان با روش علمی به ساماندهی آنها پرداخت، بلکه انگیزش عالی‌تری در مسیر الهی دارد، درعین حال اگر رها شود و به خودش واگذار شود به جانب هوی و هوس و جهالت سوق پیدا می‌کند، مسئولیت بالفعل کردن این «قوه» توحیدی و فطرتی تنها به او واگذار نشده است وگرنه ارسال رسل بی‌معنی بود، امامت و رهبری مکتب توجیهی نداشت، مسئولیت انسان توحیدی، انسان باکرامت، هم با خودش است و هم با نظام جمهوری اسلامی، یعنی جامعه اسلامی بایستی برای این امر مهم قانون‌مند و سازماندهی شود، زمینه‌های رشد کرامت انسان و فراهم گردد، اجتهاد پویای

اسلامی متخصصان در فهم کتاب و سنت برای تکامل جامعه اسلامی فراهم گردد، شرایط زمان و مکان رعایت گردد، اسلام ناب محمدی (ص) پیاده شود، برای تکامل انسان از علوم و فنون پیشرفته و تجارب بشری استفاده شود تا فطرت الهی انسانها بیدار گردد.

در چنین محیط پر از عدل و داد است که فوج فوج انسانها از اکتاف عالم به این ام‌القرأ رهسپار می‌شوند و گمشده خود را در وادی «کرامت انسان» که مبتنی بر نظام توحیدی است، ملاحظه می‌نمایند.

در دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی، در پرورش این گوهر الهی دو دید وجود دارد:

اول - آزادی و اختیار و مسئولیت انسان در ساختن سرنوشت خویش.

در این دیدگاه، انسان در چارچوب نظام تکوین دچار جبر و محدودیت نیست به اصطلاح این اراده در طول اراده خداوند قرارگرفته و نه در عرض اراده خداوند متعال است. این اراده محدود به قوانین و پرهیز از محرمات و پیروی از واجبات نیست، بلکه فراسوی این موارد هست.

دوم - انسان نه تنها مسئول خودش است، بلکه مسئول، دگر سازی و محیط‌سازی است. در این دیدگاه، انسان مسئولیت دارد که از طریق امر به معروف و نهی از منکر (که دامنه‌ای بسیار

به‌عنوان یک نظام حکومتی، سابقه تاریخی ندارد، بنابراین نظامی جدید بوده و در واقع زمینه تمدنی جدید است، این نظام دارای جهان‌بینی توحیدی از قبیل وحدت جهان، وحدت صانع جهان، وحدت رهبری مکتب توحیدی می‌باشد و به‌دنبال این تفکر، وحدت سازماندهی سازمان جامعه (یا جوامع هم مکتب) را طلب کرده و فرماندهی واحد را لازم دارد. در چنین تفکر جامعی به غیر از نقش خدائی، هیچ نقش دیگری اثر لازم و کافی ندارد، همانطور که در تکوین آفرینش خللی نیست^(۱) نقص و شکافی وجود ندارد، در تشریح نظامات الهی اعم از عدل، کرامت انسان، نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و غیره نقصی و شکافی نباید بوجود بیاید بنابراین در نظام جمهوری اسلامی، اختصاص حاکمیت به خداوند متعال بوده و تشریح به او می‌باشد و لزوم تسلیم و فرمانبرداری به حضرت حق از طریق قانون اساسی و این نظام تبیین و تعیین می‌گردد، دستگاه قانون‌گذاری باید این نقش بنیادی را به صورت قوانین ساختاری نماید و در این ساختار نقش سازنده وحی و معاد، عدل و امامت را در «مسیر تکامل انسان» بطور متمایز ملحوظ دارد.

دیدگی که نظام توحیدی ما به «انسان» دارد، او را از سایر نظامات متمایز و متفاوت می‌سازد،

وسیع دارد) به ساختن سایرین و محیط اجتماعی خود بپردازد.

در هر دو دیدگاه فوق، انسان مسئول است، پس بایستی براساس مسئولیت‌پذیری و درجات این مسئولیت، اختیار داشته باشد، بایستی برحسب «کرامت انسان» به او اختیار تفویض شود. این اختیارات بایستی از دو طریق حاصل شود:

اول - از طریق اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط و براساس کتاب و سنت معصومین(ع).

دوم - از طریق قانون‌گذاری نظام جمهوری اسلامی در جهت پرورش کرامت و احیای انسان توحیدی^(۲)

لذا قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت جمهوری اسلامی ایران را برای نیل به اهداف فوق موظف می‌کند که همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد. (اصل سوم):

۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲ - بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴ - تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵ - طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶ - محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار کلی

۷ - تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۱۰ - ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور.

۱۱ - تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲ - پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق

ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۳ - تامین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

۱۴ - تامین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱۶ - تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

دیدگاه امام خمینی(ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی

امام خمینی(ره) در کتاب حکومت اسلامی متذکر این مهم می‌گردد که برای تحقق هدف‌های عالی اسلام، خصال نیکو لازم است که عبارتند از عقل و تدبیر، آگاهی، عدالت‌پروری، دوری از گناه و نظایر اینها که به یک تعبیر، سخن از کرامت انسان است.

امام را حل در این سند تاریخی می‌گوید «عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته، شأن و قربی ندارد، بلکه وسیله انجام وظیفه و اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است ... پس نفس حاکم شدن و فرمانبرداری، وسیله‌ای بیش نیست و برای مردان خدا اگر این کار جزء تحقق هدف‌های عالی، نباید هیچ ارزشی داشته باشد».

باتوجه به نکات فوق، پس هر مدیری در هر کجا که قرار دارد و از نفوذ و اقتدار سیاسی برخوردار می‌باشد، بایستی به اجرای حکومت و ولایت الهیه و رد امانت الهی بپردازد که عهده آن در انسان‌سازی مستتر بوده و آن نیز در کرامت انسان نهفته است.

امام خمینی(ره) در این بیان سخنی دارد که برای این محقق و آن خواننده محترم بسیار گرانقدر است (صفحه ۱۸۵ کتاب حکومت اسلامی):

«مردان بزرگ که دارای سطح فکر وسیعی می‌باشند، هیچگاه مأیوس نگردیده و به وضع فعلی خود که در زندان و اسارت بسر می‌برند و معلوم نیست آزاد شوند یا نه، نمی‌اندیشند و برای پیشبرد اهداف خویش در هر شرایطی که

باشند طرح و نقشه می‌کشند، بعداً اگر توانستند شخصاً آن طرح را به مرحله اجراء درمی‌آورند و اگر خودشان فرصت نیافتند، دیگران هرچند بعد از ۲۰۰ سال یا ۳۰۰ سال دنبال این طرح می‌روند و اجرا می‌کنند، بسیاری از نهضت‌های بزرگ به همین صورت‌ها بوده است».

این محقق مطلب فوق را به این منظور در خلال بحث گنجانده که خواننده به سختی کار نیاندیشد، همانطور که فکر طرح بزرگ جمهوری اسلامی از سال‌های قبل از افکار بلند مردان بزرگ دنیا و منجمله امام خمینی(ره) بوده است و بالاخره به منصف ظهور رسید و مرتباً راه تکامل را می‌پیماید و همانطور که امام راحل فرمود، موظف به انجام وظیفه هستیم، نیل به نتیجه از وظائف ما نیست، بالطبع هر عملی نتایجی بیار می‌آورد، اعمال نیکو نتایج نیکو دارند که فعلاً بر ما آشکار نیست.

امام راحل به دنبال این بحث ادامه می‌دهد «امام صادق(ع) علاوه بر دادن طرح، نصب می‌فرمودند، این نصب امام(ع) اگر برای آن روز بود، البته کار لغوی محسوب می‌شد، ولی آن حضرت به فکر آینده ما بود، مثل ما نبودند که به فکر خودش باشد و نفع خود را بنگرد، فکر امت بوده، فکر بشر بوده، فکر همه عالم بوده است».

لذا ما برحسب توفیق الهی، وارد طرح بزرگی شده‌ایم، طرح یک حکومت الهی، یک نظام توحیدی، یک جمهوری اسلامی که یکی از بهترین محورهای آن تبلور کرامت انسان است، چه کسی باید در این طرح محقق را یاری دهد؟ آیا مدیران و کارکنان سازمان‌های تولیدی و خدماتی کشور که دارای اهداف بزرگ و مقدسی هستند مایل هستند در این طرح بزرگ گام به‌پیش نهند؟ طرح کرامت انسان که یکی از محورهای نظام الهی است در اعتلای سازمان‌های کشور و بالطبع در کل نظام موثر خواهد افتاد، به‌خصوص که موضوع کرامت انسان در قانون اساسی آمده و باتوجه به مفاهیم قرآنی آن، زمینه‌های آن در حکومت جمهوری اسلامی ایران به‌تدریج فراهم می‌شود. از لحاظ ولایت فقیه که عهده‌دار زمینه‌سازی برای ولایت الهیه است، این مهم در ایران اسلامی قابل انجام می‌باشد.

موضوع ولایت تضمینی برای اجرای طرح‌های سنگینی چون طرح کرامت انسان است برای همین است که اجرای ولایت و نصب ولایت فقیه بسیار مهم است همانطور که امام باقر(ع) در اعمال خمسه اسلامی، ولایت را برتر

می‌داند، زیرا کلید همه اعمال است^(۳) حال اگر در سنجش کرامت انسان از این اصل (ولایت فقیه) غفلت نمائیم، اجرای حکومت عدل را نادیده گرفته‌ایم، تکامل انسان را به سوی مبدأ اصلی فراموش کرده‌ایم، از حکومت‌های غربی، مادی‌گرا و سلطه‌گری که عدالت و کرامت انسان را در زیرپای خود لگدمال می‌کنند، انتظار کرامت نداریم، از حکومت و سازماندهی ولایت فقیه که عوامل دین و ایمان که خداوند کریم ادبیات آن را بر بندگان فرو فرستاده‌است، انتظار داریم، انتظار داریم که انگیزش‌ها، تشویق‌ها، سازماندهی‌ها، قوانین و تسهیلات به‌گونه‌ای فراهم شود که هیچ کس معاذیری برای سقوط یا قصر در کرامت انسان نداشته باشد، همانطور که قصر ولایت در هیچ حال جایز نیست و از مصادیق ایمان می‌باشد، کرامت انسان نیز از شاخص‌های ممتاز و نظام ولایت فقیه است. لذا با توجه به مطلب اخیر، اسلام که یک تشکیلات دینی و حکومتی است و شهادتین در نماز به منزله تابعیت از این نظام الهی است، تنها از طریق اعمال عبادی حاصل نمی‌گردد، بلکه الزاماً از طریق حکومت و ولایت و سازماندهی و اعمال قانونی مفاهیم و احکام اسلامی حاصل می‌شود، سازمان اجتماعی اسلام تنها از طریق اعمال ولایت و گسترش عدالت و انسان‌سازی به تکامل می‌رسد و گرنه کشورهای به‌اصطلاح اسلامی در دنیا وجود دارند که فقط به شعار دادن اکتفا می‌کنند و نمونه عالی و نوینی به جهان عرضه نکرده‌اند.

این یک پارادایم (PRADIGM) حکومتی در عصر حاضر است که جهان را توجه خود کرده است، این نمونه عالی، این درخت طیبه محکم و آشکار نخواهد شد، مگر به اجرای طرح کرامت انسان و نیل به شاخص‌های مطلوب که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، طرح کرامت انسان که سرمنشاء تمام پیروزیهای دنیوی و اخروی است و موجب توسعه نیروی انسانی و بالطبع توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه می‌شود از الزامات حکومت اسلامی است.

کلمات کلیدی کرامت انسان

روش ما در سنجش کرامت انسان از طریق احصاء کلمات کلیدی کرامت انسان و شاخص‌سازی آنهاست، خواننده محترم در خلال مطالعه به این کلمات مهم برخورد کرده و آنها را در ذهن جای داده است، در این فصل، این

کلمات مقدس و کلیدی به‌نحوی که ائمه معصومین(ع) فرمودند، احصاء شده و برابری سنجش و ارزیابی سازماندهی می‌گردند.

فهرست کلمات کلیدی در مفهوم کرامت انسان

ابتدا با استفاده از هدایت قرآن کریم، ائمه معصومین(ع) بزرگان دین به تنظیم فهرستی از کلمات مهم که در مفهوم کرامت انسان در این تحقیق آمده است می‌پردازیم:

عناصر فرعی کلمات کلیدی

آنچه در جدول شماره ۱ آمده است عناصر اصلی کلمات کلیدی است و هر یک از آنها می‌تواند به عناصر فرعی زیادی تقسیم شوند و عناوین عناصر فرعی را شامل گردند با نگاهی به جدول مذکور، عناصر ۱۸ گانه ستون اول دارای عناصر فرعی زیادتری از عناصر ۱۸ گانه ستون دوم و عناصر ۱۸ گانه ستون دوم دارای عناصر فرعی بیشتری از ستون ۱۸ گانه ستون سوم هستند، در واقع کلمات مهم در ستون سوم با مشاهده، برخورد و ملاقات و در ایام سفر، مجالست و مذاکرات و نظایر این امور قابل ارزیابی می‌باشد، ولی عناصر اصلی در ستون دوم و بخصوص عناصر اصلی در ستون اول به‌آسانی قابل ارزیابی نیستند، بعضی از عناصر اصلی ستون اول یا دوم نظیر عنصر مهم و کلیدی «ایمان» دارای عناصر فرعی نظیر زیر هستند که ارزیابی آنها نظیر ستون سوم به راحتی امکان‌پذیر است.

- اقرار به ایمان در گفتار
- شوق دیدار دوستان مومن
- بی‌زاری از دشمنان دین و ملت
- پایداری در حق‌گویی

و نظیر اینها، ولی بعضی از عناصر ایمان نظیر عناصر زیر، از نوع فرعی نبوده و نمی‌توان آنها را مشاهده و ارزیابی کرد:

- یقین به خدای یگانه
- نگرانی از ارتکاب به گناه
- اعتقاد به پیامبران
- اعتقاد به وحی

و نظایر اینها که در این مورد بایستی به دوگونه عمل کرد
اول - از طریق شاخص‌های مجازی که آثاری بر این موثرند.

دوم - از طریق تجزیه سایر عناصر اصلی بطوری که به حد هم‌پوشانی در ارزیابی کرامت انسان

برسد.

بنابراین بایستی فهرستی از عناصر فرعی برای ستون اول و دوم و سوم تهیه کرد بطوری که مشترکات آنها معلوم و عناصر مکرر حذف و حد هم‌پوشانی رعایت شود و برای هر یک از عناصر اصلی، عناصر فرعی به تعداد زیر تعیین شود:

برای هر یک از عناصر اصلی ستون اول - ۹ عنصر فرعی
برای هر یک از عناصر اصلی ستون دوم - ۷ عنصر فرعی

برای هر یک از عناصر اصلی ستون سوم - ۵ عنصر فرعی
به‌عنوان مثال: برای عنصر مراقبت ردیف ۱۸ ستون اول داریم:

- ۱ - دعا و نیایش
- ۲ - مجالست با اهل علم و عرفان
- ۳ - ازدواج و تربیت فرزندان
- ۴ - تهیه وصیت‌نامه
- ۵ - انس با قرآن کریم
- ۶ - ادای نماز در اول وقت
- ۷ - پرهیز از نگاه بیه نامحرم (برای زنان رعایت حجاب)
- ۸ - رعایت ادب در گفتار و کردار
- ۹ - حفظ بیت‌المال

هیئت سنجش کرامت انسان، می‌تواند بجای ۹ مورد فوق در تجزیه عنصر مراقبت از عناصر فرعی دیگر که مرتبط به آن هستند، استفاده نماید. لیکن باید توجه کرد که عناصر فرعی با سایر عناصر اصلی یا فرعی دیگر از لحاظ معنی یکسان نباشند.

همین مثال را برای عنصر نهم از ستون اول یعنی عنصر خلاقیت انجام می‌دهیم:

- ۱ - پیشنهاد ایده‌های جدید و سازنده
 - ۲ - ساختن ابزار مفید
 - ۳ - خلق روشی نو در علم
 - ۴ - کشف قانونی در قوانین طبیعت
 - ۵ - طرحی نو در توسعه
 - ۶ - خلق یک اثر هنری
 - ۷ - خلق یک کتاب سودمند
 - ۸ - افزایش بازدهی در ماشین‌آلات فعلی سازمان
 - ۹ - افزایش بهره‌وری از منابع و تجهیزات فعلی
- هیئت سنجش کرامت انسان که در سازمان مستقر می‌شود، می‌تواند بجای ۹ محور فوق عناصر فرعی دیگری که مرتبط با عنصر خلاقیت هست، جایگزین نماید.

مثال برای عنصر ۹ از ستون دوم یعنی عنصر

جدول شماره ۱- فهرست کلمات مهم در کرامت انسان

ردیف	عنوان عناصر اصلی	ردیف	عنوان عناصر اصلی	ردیف	عنوان عناصر اصلی
۱	ایمان	۱۹ (۱)	بی نیازی و قناعت	۲۷ (۱۷)	شنیدن مداری
۲	تقوی	۲۰ (۲)	خستگی ناپذیری (نلایش گرای)	۳۸ (۲۱)	کم گویی
۳	عدالت خواهی	۲۱ (۳)	گرامیداشت و تکریم	۳۹ (۲۲)	راستگویی
۴	احسان و بخشش	۲۲ (۴)	غیرت گرای	۴۰ (۲۳)	وقار آراستگی
۵	شکر و سپاس گذاری	۲۳ (۵)	وفاداری	۴۱ (۲۴)	عفت و حیا
۶	مسئولیت پذیری	۲۴ (۶)	رضایت مندی	۴۲ (۲۵)	صله رحم
۷	ایده پردازی	۲۵ (۷)	بردیاری (شکیانی)	۴۳ (۲۶)	عفو گذشت
۸	آرمان خواهی	۲۶ (۸)	مدارا و سازگاری	۴۴ (۲۷)	تواضع
۹	خلایق	۲۷ (۹)	امر به معروف	۴۵ (۲۸)	خوش خلقی
۱۰	دانش پژوهی	۲۸ (۱۰)	نهی از منکر	۴۶ (۲۹)	مهرورزی و صمیمیت
۱۱	تدبیر و تفکر	۲۹ (۱۱)	شجاعت	۴۷ (۳۰)	دبدار و بازوید برادران
۱۲	امانت داری	۳۰ (۱۲)	مروت	۴۸ (۳۱)	مجانست و مذاکره (با دوستان)
۱۳	ایمداوری	۳۱ (۱۳)	گناه گریزی	۴۹ (۳۲)	اطعام دادن
۱۴	عامل به احکام دینی	۳۲ (۱۴)	اصلاح بین مردم	۵۰ (۳۳)	همراهی
۱۵	خودسازی (خود تحول گرای)	۳۳ (۱۵)	حفظ اسرار	۵۱ (۳۴)	پاکیزگی و نظافت
۱۶	دیگرسازی (محیط سازی)	۳۴ (۱۶)	زیرکی و هوش مندی	۵۲ (۳۵)	نظم گرای
۱۷	خوش بینی (حسن ظن)	۳۵ (۱۷)	رازداری	۵۳ (۳۶)	تذکر و نصیحت
۱۸	مراقبت (صیانت نفس)	۳۶ (۱۸)	میانه روی	۵۴ (۳۷)	نشاط و جُستی

امر به معروف شامل موارد زیر است:
 ۱- پیاداشتن یک واجب اسلامی
 ۲- ترغیب و تحسین دیگران برای خیرات^(۴)
 ۳- رعایت مصلحت جامعه
 ۴- ارائه روش های نو تبلیغی در امر به معروف
 ۵- برجسته کردن کارهای خوب دیگران
 ۶- ایجاد محیطی سالم برای انجام خیرات
 ۷- ترویج اخلاق حسنه در محیط
 مثال برای ردیف ۱۶ از ستون دوم عنصر زیرکی و هوشمندی:

۱- داشتن تصویر روشن از موضوع در بحث
 ۲- اثربخش بودن (در گفتار، کردار، روش)
 ۳- استدلال منطقی (در گفتار و ارائه روش)
 ۴- درستی حکم در حل مسائل
 ۵- درستی پیش بینی مسائل در آینده
 ۶- توانایی ها در تجزیه و تحلیل مسائل
 ۷- برداشت صحیح از صورت مذاکرات
 مثال برای ردیف ۶ از ستون سوم عنصر صله

رحم:

۱- صله ارحام پدر و مادر
 ۲- صله ارحام خانواده (زن و فرزندان)
 ۳- صله ارحام خواهران و برادران (و فرزندان آنها)
 ۴- صله ارحام خاله ها، عمه ها، دایی ها و عمه ها (و فرزندان آنها)
 ۵- صله ارحام اقربای دور
 مثال برای عنصر ردیف ۱۶ از ستون سوم عنصر نظم گرای:

۱- مرتب بودن وسایل کار (جداسازی و تشخیص ابزار)
 ۲- قرار داشتن هر چیز در جای خودش
 ۳- دور کردن ابزار شکسته و ناقص از محل کار
 ۴- تنظیم وقت برای انجام امور
 ۵- تنظیم یادداشت برای انجام امور روزانه
 بنابراین هیئت سنجنش کرامت انسان با کمک متخصصان می توان به تشخیص در تعیین عناصر فرعی هر یک از عناصر اصلی بپردازد و برابر نمونه های فوق عمل نماید، بنابراین، ۳۷۸ عنصر فرعی جانشین عناصر اصلی می شوند

$18 \times 9 + 18 \times 7 + 18 \times 5 = 378$
 و به این ترتیب اهمیت نسبی ستون های ۱، ۲ و ۳ نیز رعایت شده و اولویت بندی می گردد.

لزوم شکافتن معانی لغات

یکی از دشواریهای این طرح (سنجنش کرامت انسان) تجزیه عناصر اصلی به عناصر

فرعی است بطوری که باید نکات زیر رعایت شود:

اول - عناصر تعیین شده قابلیت مطالعه و بررسی سنجنش اندازه گیری را داشته باشد. بنابراین نمی توان به موارد ذهنی، مکاشفه، رویا، متغیرهای نهفته در روح و روان انسان که برای قضاوت صحیح و متعارف قابل مشاهده نیست، بسنده کرد. منظور از مشاهده تنها رؤیت با چشم نیست، بلکه شنیدن، حس ادراک (کنکاش عقلی)، و تشخیص هیئت سنجنش و نظایر اینها که با کمک فکر، علم و استدلال حاصل می شود، جزء بی بردن به وقایع و رویدادهاست. بنابراین هیئت سنجنش بیشتر از معیارهای عینی استفاده نماید.

دوم - تشخیص مرز بین معانی و مفاهیم عناصر فرعی است که از تجزیه عناصر اصلی بدست می آیند. به عنوان مثال هم بستگی شدیدی بین زیرکی و خلاقیت وجود دارد و اگر در تجزیه و شکافتن معانی دقت نشود، چه بسا به تشخیص و تعیین عناصر فرعی یکسانی از این دو عنصر اصلی منجر شود و یا موضوع «اثربخش بودن» در ردیف ۲ از مثال عنصر ۱۶ (ستون دوم) که در قبل گذشت و تفاوت آن با واژه «کارایی» که از تجزیه سایر عناصر اصلی حاصل می شود، می باشد، عمل یا فکر اثربخش، عملی یا فکری است که انسان و دیگران را به هدف برساند، در حالی که کارایی به معنی افزایش بهره وری انسان

یا منابع تحت اداره انسان است.

سوم - به محدودیت ها و مشکلات تحقیق و سنجنش متغیرها توجه شود. عناصر فرعی نباید طوری انتخاب شود که به اطلاعات وسیع و پیچیده نیاز داشته باشد، و یا اطلاعات و داده های آن در دسترس هیئت سنجنش قرار نداشته باشد و یا میدان مطالعه از قلمروی سازمان فراتر رفته و هزینه سنگینی را به عهده سازمان بگذارد و یا نیاز باشد از افرادی که واجد شرایط برای سنجنش نیستند، استفاده شود. مثلاً برای ارزیابی خلاقیت، از ثبت اکتشافات و اختراع در مبانی ذریع، ارزیابی مراکز تحقیقاتی، و یا مراکز بین المللی استفاده کرد. ولی عناصری در ذیل این عنصر اصلی مشخص و معین شده است (که البته هیئت سنجنش به نحو مقتضی می تواند آنها را تغییر داده و از عناصر فرعی دیگری که مناسب بیشتری دارد استفاده نماید) که هیئت سنجنش به راحتی می تواند به مدارک موضوع حادثه و رویداد از آن دسترسی پیدا نماید. مثلاً اثر بازدهی یا کارایی در ماشین آلات فعلی در سازمان تولیدی متبوع قابل تشخیص است و اگر شخص خلاق، قانونی از قوانین جهان طبیعت را کشف نماید. نام چنین فردی در سطح بین المللی (حداقل در سطح ملی) مطرح خواهد شد.

چهارم - از روش کدگذاری برای عناصر فرعی استفاده شود تا از تکرار جملات طولانی جلوگیری شود و قابلیت استفاده از ارزیابی

مناسب محاسبات نظیر کامپیوتر برای هیئت سنجش فراهم شود.

پنجم - در تجزیه عناصر اصلی به عناصر فرعی به رویکردهای اصلی این طرح توجه شود و هیئت سنجش توجه کند که از منابع اسلامی و قرآن کریم و ذخائر باقی مانده از ائمه معصومین (ع) به خوبی استفاده نماید و از مدل‌های تطبیقی که کمتر رنگ خدایی دارد و به ذائقه مادی پرستان خوش می‌آید، پرهیز نماید و یقین داشته باشد که استفاده از این اقیانوس معارف به خوبی می‌تواند مشکلات و مسائل این طرح را حل و فصل نماید.

ششم - هیئت سنجش در قضاوت‌های خود بیشتر به آراء شاهدان عادل بسنده نماید و از قضاوت‌های فردی که توافق عمومی را جلب نمی‌کند، پرهیز نماید. برای این کار بایستی ابتدا به سازماندهی هیئت سنجش، هیئت نظار، شاهدان عادل (بطور نسبی)، منابع اطلاعات، نحوه مستندسازی، امتیازبندی و ارزیابی پرداخته و توافق عمومی را برای این سنجش بزرگ فراهم آورد، این یک نظام مشارکتی سازمان یافته است. هفتم - مطلب آخر اینکه این اقدام به منزله یک برنامه ریزی جانشین انسان برای مسئولیت پذیری آینده سازمان است. سمت‌های کلیدی به افراد کلیدی داده خواهد شد که از طریق سنجش

کرامت انسان شناسائی می‌شوند. لذا برای این برنامه ریزی جایگزینی، به سنجش ادواری نیاز است (ترجیحاً هر شش ماه و حداقل سالی یکبار) و بهتر است این سنجش در شب‌های قدر و روزهای ماه مبارک رمضان انجام شود تا کاربردهای لایالی قدر و ایام محاسبه مشخص شود و مفاهیم قرآن کریم به صورت کاربردی در صحنه زندگی تبلور یابد.

استفاده از فنون آماری و نموداری برای نامزدهای جایگزین در تمام سطوح سازمانی (مدیران عالی - مدیران میانی - مدیران عملیاتی) در دستور کار هیئت سنجش قرار گیرد و ادارات و دوائر پرسنلی که عهده دار این مهم هستند، امکانات و تسهیلات این برنامه ریزی را در سازمان خود فراهم سازند و برنامه زمانبندی برای این جایگزینی‌ها تنظیم نمایند.

برنامه جانشین نیروهای کلیدی در سمت و مسئولیت‌های کلیدی، یک برنامه ریزی تدریجی و بلندمدت است (حداقل ده سال) و بایستی گام‌های آن از نظر تعیین منابع اطلاعات، نحوه جمع‌آوری، سنجش، تکمیل پرسشنامه‌ها،



تکمیل فرمها و نمودارها، تکمیل سنجش ارتقاء پذیری، طرح پرورش نیرو، برنامه ریزی آموزش‌های مورد نیاز و غیره، یکی پس از دیگری برداشته شود. هیئت سنجش و هیئت نظار بایستی سیستم قابل قبولی برای ارزشیابی عملکردها، توان‌های بالقوه، کسب اطلاعات عینی و مشهود، قضاوت‌های صحیح، پرورش نیرو برای کرامت و جایگزینی آنان در سمت‌های کلیدی داشته باشند.

می‌توان در کنار هیئت سنجش و هیئت نظار، یک هیئت برنامه ریزی به نحوی که در مدل برنامه ریزی استراتژیک این محقق لحاظ می‌شود، در نظر گرفت. هیئت برنامه ریزی با هماهنگی، دو هیئت مذکور، گام‌های برنامه ریزی جانشین نیروهای با کرامت را (بطور نسبی) برداشته و نمونه‌های عالی (پارادایم) این طرح را در عمل به نمایش می‌گذارد و نمایشگاهی دیگر از قوا و استعداد های انسانی که خداوند بوی به ودیعه سپرده است، در جمهوری اسلامی ایران و عرصه بین‌المللی برپا خواهد شد.

شایان ذکر است که این طرح، آغاز جریانی است که هم از بالا به پائین و هم از پائین به بالا (از صدر تا ذیل و از ذیل تا صدر) به صورت هل دادن و کشیدن همگان را در بر می‌گیرد و اگر صحیح اجرا شود بدون اغراض شخصی عمل شود انسانها با فطرت سلیم به سوی این جریان کشیده خواهند شد، و اگر بقصد قربت و خشنودی خداوند کریم باشد، خدای سبحان بندگان خود را در این طرح بزرگ تنها نخواهد گذاشت و آنان را در این مهم هدایت و راهنمایی خواهد فرمود.

همچنین شایان ذکر است که کسی (از صدر تا ذیل) نباید انتظاری ثانوی داشته باشد، برای اینکه انتظار شخصی در این سنجش ملاک محاسبه نیست مثلاً مدیران از همکاران خود انتظارات زیادی دارند، آیا این انتظارات تماماً در جهت رضای حق تعالی است؟ و برعکس

کارکنان و کارگران از رؤسا و مدیران خود، انتظارات فراوان دارند، آیا رؤسا و مدیران بایستی به تمام این انتظارات پاسخ مثبت دهند و آیا آنان می‌توانند تمام این انتظارات برآورده نمایند؟ بنابراین در سنجش کرامت انسان، کاری به انتظارات صدر و ذیل سازمان نیست، شاخص و معیار بسیار روشن و واضح است.

در اینجا محقق لازم می‌داند به رویکرد دیگری در این امر مهم اشاره نماید، و آن دوره عمر مانائی انسان‌ها، سازمانها و دولتها در طول تاریخ است، انسانهایی بیشتر عمر کرده و از عمر عزیز خود، جهان را آباد ساخته که براساس کرامت و تکامل زندگی نموده‌اند. سازمانهایی بیشتر دوام داشته و در سازندگی بشر و محیط آن موثر بوده‌اند که بسوی بهترین‌ها، ارزش‌های انسانی و الهی گام برداشته‌اند، دولت‌هایی توانسته‌اند صعود و تعالی یافته و دوران بزرگی از تاریخ را نصیب خود کنند که به شاخص‌های توسعه انسانی، فرهنگی و تحول و تکامل توجه کرده‌اند.

جامعه ایده‌ال و سعادت مند نشانه‌های دارد که در طرح سنجش کرامت انسان آمده است. این نشانه‌ها مبرهن می‌سازد که هیچ جامعه سعادت مندی شکل نمی‌گیرد مگر به وجود کارگزاران صالح، با کرامت، عادل، و نیکوکار. جزء این جامعه سعادت مند فقط در ذهن یافت می‌شود و در روی زمینی خاکی وجود خارجی پیدا نمی‌کند. اساس جامعه سعادت مند از نهاد خانواده طبیعی انسانی و با کرامت است، ناشی از نهادها و سازمانهایی است که در آن انسانهای با کرامت بسوی بهبود مستمر و تکامل تدریجی گام برمی‌دارند. نهادهای حقوقی جامعه است که بر مبنای فطرت سلیم انسان و فرامین الهی، نظامی عادلانه برپا می‌سازند. نهاد حکومتی جامعه‌ای است که بر مبنای ولایت مطلقه الهیه و ولایت فقیه کارگزاران جامعه را انتخاب می‌نماید.

سیمای جامعه سعادت گرا، سیمای جامعه‌ای که ادعای سعادت مندی دارد، از طریق شاخص‌های آرمان خواهی «کرامت انسان» متمایز می‌گردد، از ۵۴ شاخص در جدول شماره ۱ این طرح و از ۳۷۸ شاخص فرعی که توسط متفکران اسلامی و متخصصان متعهد تعیین خواهد شد. در جامعه سالم و سعادت مند، صورت جشنها، مراسمها، سفرها، لباسها، معاشرت‌ها، عادات و رسوم و بطور کلی مظاهر فرهنگی و نهادهای

اجتماعی با جامعه غیرسالم و فاسد فرق اساسی دارد.

جامعه سالم تنها به آرایش گلها و ساختن ترانه‌ها و زیباسازی ابنیه‌ها نمی‌پردازد، بلکه توجه به شخصیت ذاتی افراد، داشتن عدل و داد، رعایت انصاف و نظام‌دکردن فرامین الهی است. انسان‌های مسلط، چسیره، کمال‌جو، خودشکوفای، فرمانبردار حق تعالی، فکور و مدبر، تنها در جستجوی نرم‌افزار و سخت‌افزار نیستند. هدف انسانهای باکرامت، فراسوی این جستجوها و کاوش‌ها است، به عبارتی ساده او صدرا طلب می‌کند که ذیل صد همه از آن اوست، او مسلط و قاهر یکتا را طلب می‌کند که در ذیل سایه او، برجهان و طبیعت استیلا یابد. او کمال مطلق را جستجو می‌کند، تا بر نردبان تکامل قرار بگیرد. او مدبر الهی را می‌خواهد تا از نفس او به قوه‌ها و استعدادهای خود درجهت رضای او موفق گردد.

نتیجه:

اگر خواننده محترم سوال کند، این مدینه فاضله کجاست؟ پاسخ می‌گوییم که هر وقت وجود انسانهای یک جامعه در تحت رهبری عدالت‌گستر، گامی هرچند کوچک در تبلور این مفاخیم مقدسه برداشت، به نسبت این اهتمام، نسیمی از لطایف این نظام بر او نواخته و سیمائی درخور اهتمام از این مدینه فاضله را ملاحظه می‌نماید و مستندات فراوان تاریخی گواه بر این مدعاست.

تعجب از کسانی است که هیچ اعتقادی به قادر متعال نداشته، معاد را باور نکرده، هیچ یک از شاخص‌های کرامت انسان را تجربه نکرده و حاضر نیستند نیکی‌ها را آزمایش کنند، و بدیها را بدور بریزند و مدعی هستند که مدینه فاضله و استقرار جامعه سالم و سعادت‌مند کاری نشدنی است! بلکه هرکس به کیش خود پندارد، برای کسی که نشانه‌های موفقیت را در سیمای شرکتها و افراد و بزرگان دین و دانش جستجو نکرده و نمی‌خواهد که در این راه شناخت اهتمام بورزد و جهان‌بینی او و تلاش او در بدی‌ها، نشاندن‌ها، هرج و مرج‌ها و نظایر اینها خلاصه می‌شود، اگر گل هم به او هدیه بدهی، فکر می‌کند، کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است. و گرنه کدام آدم عاقل مدعی است که انجام فرائض دین، احسان به پدر و مادر، نصیحت و خیرخواهی مردم، اهتمام به امور مسلمین، اجلال سالمندان، مهرورزی، دیدار و صلح ارحام خانواده و دوستان و نظایر اینها که

● یکی از دشواریهای طرح سنجش کرامت انسانی، تجزیه عناصر اصلی به عناصر فرعی است.

● هیچ جامعه سعادت‌مندی شکل نمی‌گیرد مگر به وجود کارگران صالح، باکرامت، عادل و نیکوکار.

در جدول شماره ۱ آمده است نانشدنی است، و یا چه کسی این خیرات و حسنات را انجام داده است که ضرر کرده است و یا از جامعه طرد شده است؟ یا برعکس کسانی که توکل به خدا داشتند، جانب تقوا و عفت را رعایت نمودند، در عمل و اهتمام پایداری کردند با مردم خوش خلقی نمودند، اهل عفو و گذشت بودند و در جامعه عادل و منصف بودند نه در زمان حیات، بلکه در طول تاریخ بشر زنده‌اند. این عزیزان کم نیستند و تأثیری که اینان بر تحول و تکامل جامعه داشتند اندک نیست. به یک عبارت این انسانها، نقاط عطف تاریخند و تمدنها از همین نقاط آغاز شده و مدینه‌ها در پرتو تلاش این انسانها بوجود آمده است. □

پانویس:

۱ - عبدالسلام برنده جایزه نوبل (در سال ۱۹۷۹) در مراسم دریافت جایزه، آیات ۳ و ۴ از سوره المملک قسرآن کریم را به عنوان یک جلوه شگفت‌انگیز از نظام خلقت به شرح زیر قرائت کرد: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ السَّمَاوَاتِ طَبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ» یعنی: «آن که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید، در آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی‌نظمی نمی‌بینی، پس بار دیگر نظر کن، آیا در آسمان شکافی می‌بینی؟ بار دیگر نیز چشم باز کن و بتنگر، نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت (هرچه عمیق‌تر می‌نگریم، بیشتر متحیر و برق‌روشنایی آن، ما را خیره‌تر می‌کند)»

۲ - مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - جلد اول
۳ - کتاب ایمان و کفر - صفحه ۳۶
۴ - قرآن کریم در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید «کنتم خیر أمة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» یعنی شما بهترین

امت و ملتید که از میان مردم برگزیده شده‌اید، زیرا که مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.

منابع و مأخذ این تحقیق

- ۱ - قرآن کریم
- ۲ - تفسیر المیزان - استاد علامه سیدمحمد حسین طباطبائی (قدس سره الشریف)
- ۳ - تفسیر نمونه - جمعی از دانشمندان حوزه علمیه
- ۴ - قاموس قرآن - سیدعلی اکبر قریشی
- ۵ - اصول کافی - شیخ کلینی (ره)
- ۶ - غررالحکم و دررالکلم - آیت‌الله عبدالواحد امدی - ترجمه محمدعلی انصاری
- ۷ - ولایت فقیه (حکومت اسلامی) - امام خمینی (قدس سره الشریف)
- ۸ - رساله نوبین (تحریرالوسیله) - امام خمینی (قدس سره الشریف) ترجمه و توضیح عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
- ۹ - کرامت در قرآن - آیت‌الله جوادی آملی
- ۱۰ - العراقیات - حاج میرزا جواد ملکی تبریزی
- ۱۱ - انسان در قرآن - استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۲ - ده گفتار - استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۳ - انسان و ایمان - استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۴ - مسائل تربیتی اسلام - دکتر سیدمحمدباقر حجتی
- ۱۵ - آداب تعلیم و تعلم در اسلام - دکتر سیدمحمدباقر حجتی
- ۱۶ - متن اصلاح شده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۷ - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۸ - حرکت و تحول از دیدگاه قرآن - استاد محمدتقی جعفری
- ۱۹ - مدیریت اسلامی - اسماعیل منصوروی لاریجانی
- ۲۰ - شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت - حاج آقا مهدی حائری تهرانی
- ۲۱ - علل انحطاط تمدنها از دیدگاه قرآن - احمدعلی قانع عزآبادی
- ۲۲ - انسان و سرنوشت - استاد شهید مرتضی مطهری
- ۲۳ - علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین - زین‌العابدین قربانی
- ۲۴ - مقدمه ابن خلدون - عبدالرحمن بن خلدون - ترجمه محمد پروین گنابادی